



۲۰۱۷/۰۷/۰۴

ضیاء نظام

استفاده و مدیریت درست از منابع معدنی افغانستان یگانه امید برای رسیدن به خود کفایی و پیشرفت اقتصادی

افغانستان خوشبختانه دارای منابع سرشار و غنی طبیعی بوده و این منابع عمدتاً تا حال محفوظ و دست نخورده باقی مانده است. طبق گزارش سروی جیولوژی ایالات متحده آمریکا ارزش مجموعی معادن موجوده افغانستان ۱،۱۳۱ تریلیون دلار یا ۱۱۳۱ میلیارد دلار بوده اما وزارت معادن و پترولیم افغانستان ارزش مجموعی آن را سه مرتبه بالاتر و بیشتر تخمین می کند. مگر گفته می توانیم که تعیین واقعی ارزش منابع معدنی افغانستان خیلی دشوار بوده که نمی توان به صورت قاطع در زمینه ابراز نظر کرد.

به هر صورت، اگر ارزش مجموعی منابع معدنی افغانستان را حداقل همین ۱،۱۳۱ تریلیون دلار قبول کنیم با مقایسه با عاید ملی فعلی کشور که در حدود ۳۰ میلیارد دلار است، تقریباً به چهل برابر آن بالغ می گردد که یک مبلغ نهایت هنگفت و امیدوار کننده بوده و در حالات کاهش کمک های خارجی هر گاه شرایط مناسب ایجاد گردد و اقدامات دلسوزانه لازم به عمل آید، می تواند کشور ما را به خودکفایی دلخواه برساند و با استفاده از عواید ناشی از معادن، بودجه انکشافی افغانستان به وجه احسن تمویل گردد.

هم اکنون معادن کوچک از قبیل زغال سنگ و سنگ های تزئینی احجار قیمتی و نیمه قیمتی مرمر و سنگ های ساختمانی مورد استفاده قرار گرفته است اما متأسفانه در این زمینه مدیریت خوب وجود ندارد، البته موضوع امنیت و کنترل بعضی از ساحات معادن توسط گروه های مسلح مخالف دولت نیز سبب شده تا مدیریت خوب را در زمینه خدشه دار سازد و از همین لحاظ است که از استخراج غیرقانونی و خود سرانه معادن گروه های تروریستی و تبهکار تقویه شده و این امر حاکمیت قانون را هر چه بیشتر ضعیف ساخته است. باید اضافه کرد که در پهلوی گروه های تروریستی، شماری از مقام های محلی و دولتی نیز در استخراج خودسرانه و غیرقانونی این معادن دست دخالت دارند. دولت افغانستان سالانه میلیون ها دلار را از بابت این استخراج های خودسرانه و غیرمسئولانه از دست می دهد. با وجودیکه از قسمت خیلی کوچک معادن در حال حاضر استفاده می گردد، اما با وجود آنهم آقای (شمن کارتر) مسؤول بخش افغانستان در نهاد بین المللی عدالت می گوید که سکتور معادن در افغانستان گروه های مسلح مخالف را تمویل کرده و منبع عمده بی ثباتی در سراسر کشور شناخته می شود، لذا معادن هم به نوبه خود یکی از علل بی ثباتی تلقی می گردد.

موجودیت منابع طبیعی هنگفت به سایر کشورهای فقیر و یا هم کشورهای دارای معادن بزرگ چنین وانمود می سازد که این ثروت طبیعی می تواند برای مردم کشور یک برکت، چانس خوب و یا هم برعکس نفرین و یا چانس بد و باعث بی

ثباتی و بدبختی باشد چنانچه قسمتی از قاره آفریقا بنا بر داشتن منابع سرشار معدنی مدت ها در آتش جنگ های داخلی، جنگ با همسایه ها و جنگ با گروه های جنایتکار و تروریست سوخته و در نتیجه معادن آن در معرض تاراج قرار گرفته و محیط زیست آنها را نیز تخریب نموده و منفعت استخراج آن برای مردم محلی خیلی ها ناچیز بوده، یعنی خسارات وارده ناشی از آن بر مراتب بیشتر از منفعت آن بوده است.

خوشبختانه معادن کشور ما که هم اکنون از آن استفاده می گردد، در مقایسه با ذخایر معدنی دست نخورده خیلی ها کم بوده و قسمت اعظم معادن مملکت کماکان جا به جا باقی مانده است. جنگ ها همه چیز را ویران و تباہ کرده به جز از معادن، زیرا جنگجویان به آن دسترسی نداشتند و در طی شانزده سال اخیر بعد از سقوط طالبان نیز از معادن بهره برداری اصولی و مناسب صورت نگرفته و نظام کنونی هم طی مدت بیشتر از شانزده سال حاکمیت خود تا به حال کدام گام مؤثر و مهمی را به خاطر استخراج سود آور معادن در جهت تقویة اقتصاد مردم کشور نه برداشته است، حتی قادر نه بوده تا جلو استخراج غیرقانونی و خودسرانه معادن توسط زورمندان، غارتگران و تروریستان را بگیرد. اما باز هم در پهلوی این همه نارسایی ها و نا به سامانی ها بعضی اقدامات مهم و نهایت ارزشمند در قسمت بهره برداری از معادن افغانستان صورت گرفته که عمده ترین آن عبارت از سروی ساحاتی بوده که احتمال می رفت دارای ذخایر معدنی باشد و موجودیت معادن هم در آن مناطق تا حدودی مشخص شده بود. همچنان قانون معادن مجدداً به تصویب رسیده و نافذ می باشد. با وجود همه انتقادات و نارسایی های زیاد باید گفت که موجودیت همچو قانونی به مقایسه بی قانون بودن یا عدم آن ارجحیت دارد. همچنان قانون سرمایه گذاری های خصوصی که قبلاً تصویب شده نافذ است، البته قوانین مذکور خواه نخواه دارای نقایص و خلاهایی می باشند اما این کمبودی ها را می توان با آوردن تعدیلات، وضع مقرره ها، رهنمود ها و طرز العمل ها اصلاح نمود و از استخراج غیرقانونی، غیر معیاری، خود سر و عنعنوی معادن جلوگیری کرد. همچو مشکلات و کاستی ها نباید باعث رکود و فلج شدن پروسس استخراج معادن گردد و تأخیر و مشکل تراشی درین مورد در یک کشوری که عمدتاً بودجه آن از طریق کمک های خارجی تمویل می گردد و بنا بر موجودیت فضای فعلی در آن کشورها یعنی کشورهای امداد کننده، آینده این مساعدت ها تا حدودی مجهول، نا معلوم و در پرده ابهام قرار دارد که باید پیش بین بوده علاج واقعه را قبل از وقوع آن در نظر داشت. پس یگانه مرجع امید برای تمویل بودجه کشور ما همین عواید ناشی از استخراج معادن می باشد، لذا از موکول کردن استخراج آن به آینده جداً اجتناب صورت گیرد.

هم اکنون شرکت های بزرگ و قابل توجه بین المللی در مورد سرمایه گذاری در معادن افغانستان دچار شک و تردید اند، زیرا ساحات معادن از امنیت و مصونیت مطمئن برخوردار نیست، در زمینه قوانین موضوعه هم از طرف خود افغان ها زیر سوال قرار دارد و ظرفیت های لازم جهت پیشبرد امور مربوط در اختیار نیست و بیوروکراسی اداری و فساد گسترده در کشور، دخالت های بی مورد نهادهای دولتی هم بیداد می کند که کار را بیشتر مشکل ساخته است. کمپنی های متذکره به تأمین امنیت، قانونیت و پابندی به تعهدات سخت دلچسپی دارند یعنی از هر نقطه نظر آن ها ضرورت شدید به ثبات و تأمین تعهدات دارند.

طوریکه در آغاز گفته شد، افغانستان از لحاظ داشتن ذخایر معدنی از غنای نهایت در خور توجه برخوردار است، چنانچه نتایج سروی ها نشان می دهد که تا حال در افغانستان ۱۴۰۰ نوع معادن شناسایی گردیده و مهم ترین معادن کشور عبارت از معادن آهن، مس، طلا، گاز و نفت، لیتیوم، مرمر، یورانیم و غیره می باشند.

به هر صورت، در این مقاله سعی به عمل آمده تا از معادن عمده و مهم کشور تذکراتی صورت گیرد و طی مثال های کوتاه و مختصر، آن هایی معرفی گردند که در زمینه استخراج شان قرارداد هایی عقد گردیده است؛ لهذا در مورد آنها اندک روشنی انداخته می شود.

۱- معدن نفت و گاز:

مرکز مطالعات جغرافیایی ایالات متحده امریکا طی گزارشی در سال ۲۰۰۶م خویش اندازه ذخیره این معادن را بیشتر از ۸،۱ میلیارد بشکه نفت خام و زیادتر از نیم تریلیون متر مکعب گاز مایع تخمین کرده است. عمدتاً معادن متذکره نفت و گاز در شمال کشور در حوزه های افغان - تاجک و امور دریا موقعیت دارند که مقدار ذخایر آن ها قابل ملاحظه بوده و تنها ارزش نفت و گاز منطقه افغان - تاجک ۱۲۳ میلیارد دالر تخمین شده و قرار داد آن با دو شرکت خارجی و یک شرکت افغانی برای مدت ۲۵ سال عقد شده است که بر وفق آن نه تنها سالانه مبلغ ۴۰۰ میلیون دالر به حکومت افغانستان عاید صورت می گیرد بلکه برای ۱۲۰۰۰ نفر زمینه اشتغال مساعد می گردد. قرارداد ساحة نفتی امور دریا با شرکت ملی پترولیم چین و یک شرکت افغانی به تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۱۱ امضاء گردید و مورد تائید شورای وزیران نیز قرار گرفته است.

۲- معادن مس:

افغانستان دارای معادن زیاد مس نیز بوده که مهمترین آن ها معدن مس عینک و بلخاب سرپل می باشد. معدن مس عینک ولایت لوگر یکی از وسیع ترین معادن مس در جهان و بزرگترین معدن مس افغانستان شناخته شده است. در عین حال در پهلوی اینکه بزرگترین معدن مس در کشور است در این ساحة یک مجموعه ای از آثار باستانی و میراث فرهنگی از معابد بودایی متعلق به قرن های ۳ الی ۷ م نیز وجود دارد. در سال ۲۰۰۷م یک قرارداد جهت استخراج این معدن با یک کمپنی چینیایی به نام China Metallurgical Group Corporation به ارزش سه میلیارد دالر برای مدت ۳۰ سال عقد گردید که بزرگترین سرمایه گذاری در زمینه تلقی می گردد.

ارزش مجموعی این معادن را تا یک صد میلیارد دالر تخمین نموده اند. متأسفانه کار عملی و جدی استخراج معدن مذکور بنابر دلایل امنیتی و اهمیت آثار تاریخی یا عدم موجودیت فاسفورس در منطقه و مخصوصاً تنزیل ارزش مس در سطح جهانی آغاز نگردیده است، البته در صورت استخراج و بهره برداری از آن برای ده ها هزار نفر زمینه اشتغال مهیا می گردد. همچنان در نظر بود در این ساحة شهرکی برای مردم منطقه و کارگران مربوط به استخراج مس نیز احداث گردد و اعمار یک دستگاه تولید برق حرارتی در ولایت بامیان به ظرفیت ۴۰۰ میگاوات به وجود آید؛ در عین حال به ارتباط این قرارداد احداث خط آهن از معدن مس عینک تا معدن حاجیگک و حیرتان و تورخم بین وزارت معادن و پترولیم و کمپنی فوق الذکر چینیایی، نیز عقد گردیده بود اما متأسفانه بنابر دلایل ذکر شده کار عملی آن آغاز نگردید. به نظر اینجانب این قرارداد یکی از قراردادهای نهایت مهم و موثر شناخته شود، مشروط بر اینکه تعهداتی را که در زمینه به جانب مقابل متقبل شده اند عملی سازند. اما متأسفانه شرکت چینیایی بعد از تقریباً شش سال (پیش نویس) مکان سنجی را ارائه نموده و در آن تذکر یافته که بسیار از تعهدات قابل تحقق نیست.

۳- معادن آهن:

کشور ما خوشبختانه، از داشتن معادن زیاد آهن برخوردار است که در این جا چند سطر در مورد مهمترین شان نگاشته می شود که عبارت اند از معدن آهن حاجی گک بامیان، که بزرگترین معدن آهن افغانستان به شمار رفته و از آن هیچ

استفاده نشده است. در سال ۲۰۱۱م قرارداد های استخراج این معدن با یک کنسرسیوم هندی (سه بلاک) و یک شرکت کانادایی (یک بلاک) عقد گردید. دولت هند به کنسرسیوم مذکور وعده سپرده بود تا در قسمت سرمایه گذاری آن را کمک نماید، بعداً حکومت هند از تعهد خود انحراف ورزید، همچنان موضوع امنیت، تنزیل ارزش آهن و خروج قسمی نیروهای خارجی از افغانستان، همه و همه باعث گردید که قرارداد مذکور عملی نشود، و در نتیجه وعده سرمایه گذاری ده میلیارد دالری کنسرسیوم جهت استخراج و ساخت ته بناها در معرض اجراء قرار نگیرد و از یک پروژه فوق العاده مهم و حیاتی کشور انصراف به عمل آید، زیرا پیش بینی شده بود که سالانه مبلغ ۳۰۰ میلیون دالر به حکومت افغانستان عاید نصیب گردد و در حدود ۱۲۰۰۰ هزار شغل برای مردم به وجود آید. فکر می شود علت انصراف شرکت متذکره نظر به ملحوظات سیاسی برنده اعلان گردید، ولی توانایی مالی برای استخراج را نداشت.

از گفته های بالا می توان برداشت کرد که ما از لحاظ داشتن معادن با ارزش، مهم و دست نخورده از غنای لازم مادی برخوردار هستیم. مگر آنچه ما را از این نعمت خدا داده محروم ساخته و در شرایط بد زندگی به سر می بریم آنست که از یک طرف امنیت کشور ما دستخوش بازی اجانب و بیگانه گان بوده و با آگاهی لازم از این ثروت پیوسته ما را ضربه می زند تا نتوانیم به پای خود استاده شویم و از جانب دیگر بنابر رقابت های ذات الیینی دست اندرکاران و زورمندان، قادر به آن نیستیم تا یک مدیریت همه جانبه کارا، مؤثر، مثبت، دلسوز، دوراندیش و مفید را ایجاد کنیم که در آن ضوابط بر روابط رجحان داشته، منابع فردی و شخصی در منافع عامه، همه گانی و همه جانبه مضمحل باشد، و هر یک از افراد مملکت، کشور و مردم خود را از همه چیز مقدم بشمارند و در آن مسیر جانفشانی کنند.

به همین سلسله قابل یادآوری است که گفته شود مدیریت خوب، مناسب و همه جانبه معادن با ایجاد یک سیستم شفاف، حسابداری و مؤثر و عاری از فساد می تواند کنترل دقیق و مسؤولانه دولت و تأمین امنیت را در ساحات معادن خیز، وسیع تر ساخته و دشمنان سعادت مردم افغانستان اعم از تروریست ها و زورمندان غاصب را از ساحه دور ساخته و زمینه را برای اشتغال مثبت مردم محل و ارائه خدمات عام المنفعه مهیا سازد و این امر می تواند در جهت تأمین صلح کمک به سزایی انجام دهد. گرچه گفته می شود که صلح و امنیت پیش شرط انکشاف اقتصادی و توسعه پایدار است اما با این هم ثابت شده که انکشاف و بهبود اقتصادی به ذات خود در جهت ایجاد صلح کمک می کند، مخصوصاً در افغانستان. زیرا دشمنان آرامش مردم ما به خصوص همسایه شرقی کشور که دشمنان و مخالفین افغانستان را تحت حمایت خویش قرار داده اند و به زعم خود شان در قاموس آنها اعاده صلح و تأمین آن به اساس موافقه و مصالحه وجود نداشته بلکه یگانه راه بیرون رفت از جنگ را تسلیمی بلاقید و شرط به خواسته های غیرانسانی، غیر بشری و نظریات افراطی خویش می دانند. لهذا پیشرفت اقتصادی و انکشاف عمومی مناطق خارج از شهر های بزرگ می تواند فاصله بین حکومت و مردم را نزدیکتر ساخته و ساحه را برای تروریستان ضیق تر سازد و به این ترتیب می تواند تأثیر مؤثر و مثبت در جهت تأمین امنیت مناطق واجد منابع طبیعی و معدنی داشته باشد.

با توجه به بغرنج بودن استخراج معادن باید گفت که همچو مسایل در قبال انکشاف اقتصادی تأثیرات منفی به جا خواهد گذاشت، طوریکه این مشکلات متوجه باشندگان محل می باشد، طوریکه مفاد و عواید حاصله از معادن به مرکز تعلق می گیرد و همه خرابی ها و زیان های مربوط به منطقه و محل مورد نظر باقی بماند. در همچو احوال ایجاب می کند این مسایل و پیامد های منفی اجتماعی و وابسته به محیط زیست جداً در نظر گرفته شود و از اثرات ناگوار و منفی جلوگیری لازم صورت گیرد چه در بعضی کشور های رو به انکشاف که حایز منابع سرشار معدنی اند و استخراج

معادن شان علاوه بر اینکه کدام تأثیر قابل توجه در زمینه پیشرفت اقتصادی نداشته بلکه بر عکس اثرات منفی فاجعه باری را بالای محیط زیست و محل ایجاد کرده و قسمت اعظم عواید ناشی از استخراج معادن توسط شرکت های چند ملیتی یا کورپوریشن ها با دادن رشوه به زمامداران فاسد و استفاده جو حیف و میل گردیده و خسارات جبران ناپذیری را متوجه محلات متذکره ساخته است. با در نظر داشت همچو معضلات باید جدأ سعی به عمل آید تا محیط زیست و مردم محل از چنین اقدامات صدمه و آسیب نه بینند و در عین حال باید پیش بینی به عمل آید تا برای باشندگان محل ماحول مربوط به استخراج معادن زمینه های اشتغال در رابطه به استخراج معادن نه تنها به وجود آید بلکه در استخدام و اشتغال هم به مردم محل حق اولیت داده شود و به همین ترتیب با در نظر داشت موقف، محل یا محیط مسکونی جوار معادن تحت استخراج زیربنا های طرف ضرورت اعمار و یک قسمت عواید ناشی از استخراج معادن با یک فیصدی مناسب و عادلانه به همچو مصارف اختصاص داده شود.

قابل یاد آوری است که گفته شود ایالات متحده آمریکا در بخش معادن افغانستان سرمایه گزاری زیاد نموده است چنانچه در زمینه ۴۸۸ میلیون دالر را تخصیص داده اما به قول سرمفتش خاص ایالات متحده آمریکا SIGAR که طی گزارش خود نوشته است: "ایالات متحده آمریکا در مورد استخراج معادن افغانستان دارای هیچ نوع ستراتیژی واحدی نبوده از همین سبب فعالیت های مورد نظر در بین ادارات آن کشور هماهنگ نیست و ۴۸۸ میلیون دالر بودجه منظور شده آن در معرض خطر قرار دارد". باید اضافه نمود که در حکومت افغانستان نیز هم اکنون ظرفیت لازم برای مدیریت سالم استخراج معادن وجود ندارد که این امر به نوبه خود بر میزان مشکل افزوده و نظارت از تطبیق موافقت نامه هایی را که در زمینه عقد گردیده و یا عقد می گردد، نهایت مشکل می سازد چنانچه یک مسؤول وزارت معادن و پترولیم کشور به تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۵م گفته بود: "حکومت افغانستان در اداره بخش معادن ناکام مانده و هیچ چهارچوب تنظیم کننده و اجرای مقررات در عمل وجود ندارد".

البته از آن زمان تا حال در مورد ظرفیت سازی ها یک سلسله کارهای صورت گرفته است اما با آنهم تا جاییکه فکر می شود آن همه اقدامات کافی و بسنده نبوده بلکه ایجاب سعی و تلاش بیشتر را می نماید.

خلاصه اینکه باید تلاش شود تا در زمینه مدیریت سالم عرض وجود کند و از تجارب کشور های دیگر استفاده مطلوب به عمل آید، قرارداد فقط و فقط با نظر داشت منافع همه جانبه مردم افغانستان عقد و امضاء گردد، و در عین حال تضمینات یا تأمینات مالی از لحاظ حقوقی در نظر گرفته شود و از دادن سهمیه بی موجب به شرکای سیاسی خود داری گردد چه در غیر آن صورت، زمینه های تاراج ثروت و سرمایه ملی مهیا خواهد شد و منفعت آن به جیب یک عده اشخاص معلوم الحال و انگشت شمار منحصر و محدود خواهد شد که زیان آن باعث بیچاره گی بیشتر مردم بیچاره ما خواهد گردید.

پایان